

مدارا در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حجت الاسلام والمسلمين عبدالله مؤمنی*

اشاره

الگوخواهی، نیاز انسان است و بدون آن، به نیک‌بختی نمی‌رسد. گزینش پیامبران خدا از میان انسان‌ها، از آن روست که سرمشقی برای امت‌ها باشند. برای دستیابی به الگوی مدارا از زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بایسته است نخست مدارا را در رفتار ایشان مورد مطالعه قرار دهیم؛ آن‌گاه با بازسازی رفتار آن حضرت، خود و دیگران را بدان سو رهنمون سازیم. مدارا، از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی و عامل آرامش فردی، خانوادگی، اجتماعی و نیز از مهم‌ترین قواعد در تنظیم درست روابط انسانی و پایه‌های تمدن نوین بشری است؛ چرا که افراد هر جامعه، دارای اندیشه‌ها و تمایلات متفاوتی هستند. برخورد بین آنان از سر درستی و عصبانیت، آرامش فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد و

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

ثمری جز رشد فزاینده دشمنی در بر نخواهد داشت. از این رو پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مدارا را نیمی از زندگی و کمال اخلاقی معرفی فرمود؛^۱ چرا که بسیاری از فضایل اخلاقی، مانند فروتنی و بردباری را در بر می‌گیرد.

اهمیت این خصلت به اندازه‌ای است که خداوند، آن را بر سرآمد پیامبران الهی واجب کرده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «أَمْرُنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ»^۲ «پروردگام مرا به مدارای با مردم فرمان داده، هم‌چنان که به ادای واجبات فرمانم داده است».

معنای مدارا

مدارا از باب مفاعله و ریشه «دری - درایه» است و «داریته مداراه»؛ یعنی با او با ملاطفت و ملایمت رفتار کردم.^۳ در علم اخلاق نیز به معنای تحمل مخالفت یا مزاحمت و یا حتی ستم دیگران، به منظور جذب و بازداشتن آنان از اقدام خصمانه است؛ به شرط آنکه حق دیگری ضایع نشود. در مفهوم مدارا، تحمل آزار مردم نهفته است؛ اما در رفق نیست.^۴

مدارا به معنای بی‌تفاوتی نسبت به عقاید مخالف نیست؛ بلکه رفتار با ملایمت با کسانی است که دارای عقاید مخالفند. بعضی مدارا را با

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. همان.

۳. محمد ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ ج ۱۴، ص ۲۵۵؛ فخرالدین طریحی؛ *مجمع البحرین*؛ ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. محمد مهدی نراقی؛ *جامع السعادات*؛ ج ۱، ص ۳۴۰.

واژه «تولرانس» (Tolerance) غربی یکی می‌دانند؛ در حالی که تولرانس نوعی برخورد همراه با تساهل و کوتاه آمدن از حق خود است که مورد قبول اسلام نیست.^۱

عرصه‌های مدارا

الف) عرصه خانوادگی

به طور طبیعی هر زندگی و خانواده‌ای ممکن است با مشکلات و کمبودهایی روبه‌رو شود که سبب ناراحتی اعضای خانواده و گاهی اشتباه آنان می‌گردد. اگر زندگی بر پایه عشق استوار باشد، پشتوانه محکمی چون گذشت و مدارا خواهد داشت که به سبب آن، پشت سر نهادن مشکلات آسان خواهد بود. در این میان مدارا، به‌ویژه برای مردان به دلیل داشتن اقتدار بیشتر، زینده‌تر خواهد بود. از این رو پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مردان را بیشتر به این مسئله مهم توصیه نمود و فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»^۲: «بهترین فرد شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد و من بهترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم». در جای دیگری فرمود: «خَيْرُ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَيَحْتُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ»^۳: «بهترین مردان امت من، کسانی هستند که بر خانواده‌شان ستم روا نمی‌دارند و نسبت به آنان مهربان بوده و در حق آنان ظلم نمی‌کنند».

۱. حسین عبدالمحمدی؛ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت؛ ص ۱۵.

۲. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۱۶.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۲۱۷.

آمار بالای طلاق در جامعه امروز، حاکی از عدم تحمل و مدارای مردان و زنان در برابر بداخلاقی همسران و بروز رفتارهایی مانند دعوا، قهر، کینه‌توزی و ... است. پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این بزنگاه‌ها، مردان و زنان را به صبر و مدارا توصیه نموده و فرمود:

«مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَائِهِ وَ مَنْ صَبِرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ»^۱ «مردی که در مقابل بد اخلاقی زنش صبر نماید، خداوند اجر و پاداش حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَامُ را به او عطا خواهد کرد. هم‌چنین زنی که بد اخلاقی شوهر را تحمل نماید، خداوند ثواب و اجر آسیه را به او خواهد داد».

در سفارش دیگری درباره رفتار نیک با زنان فرمود:

«أَوْصَانِي جِبْرِيلُ بِالْمَرْأَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعُنِي طَلْقُهَا إِلَّا مِنْ فَاحِشَةٍ بَيِّنَةٍ»^۲ «جبرئیل آنقدر در مورد زنان به من سفارش کرد که گمان کردم که طلاق آنان جز در مواردی که فضاحت آشکار از آنان دیده شود، جایز نیست».

سیره آن حضرت در خانواده، مدارا کردن با همسران و عفو و گذشت از اشتباهات آنان بود. گاهی خطای آنان، تجاوز به حقوق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ اما حضرت بدون یادآوری به آنان، از کنار این قضیه می‌گذشت. آنان متوجه اشتباه‌شان می‌شدند و سرافکنده می‌گشتند. اگر اشتباهات شان مربوط به حقوق دیگران بود، با گفتار و رفتار مناسب، آنان را

۱. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ج ۱، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۶.

راهنمایی می‌کرد و خطای‌شان را گوشزد می‌نمود. برای مثال رفتارهای توطئه‌آمیز و فاش کردن راز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط برخی از همسران، سبب ناراحتی آن حضرت و نزول آیاتی در این باره شد، اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر چنین رفتاری با وجود داشتن حق برخورد با همسران، تنها توطئه پنهانی‌شان را به آنان گوشزد کرد و با مدارا، کرامت و بزرگواری از آنها گذشت. در مورد اشتباهاتی نیز که همسران در ارتباط با یکدیگر داشتند و به نزاع می‌انجامید،^۱ آن حضرت با مدارا و تغافل، از کنار مسئله می‌گذشت.

آن حضرت با خدمتکاران نیز با مهربانی و مدارا رفتار می‌کرد. انس بن مالک که مدت‌ها خدمتکار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، هر گونه گزارش سختگیری و اذیت از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نسبت به خدمتکاران نفی می‌کند.^۲

ب) عرصه سیاسی و اجتماعی

خداوند کریم در آیات بسیاری،^۳ پیامبرش را به مدارا سفارش کرده است؛ از جمله می‌فرماید:

۱. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»^۴ «پس تو به لطف و رحمت الهی با آنان

۱. سید مرتضی عسکری؛ نقش عایشه در تاریخ اسلام؛ ترجمه سردارنیا؛ ج ۱، ص ۸۶؛

ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۹، ص ۱۹۶.

۲ ابن‌کنیر؛ البدایه و النهایه؛ ج ۶، ص ۴۲.

۳. ر.ک: توبه: ۶ و ۱۲۸؛ کهف: ۶؛ فاطر: ۸؛ انبیاء: ۱۰۷؛ فتح: ۲۹؛ شعراً: ۲۱۵؛ حجر:

۸۸؛ اعراف: ۱۹۹.

۴. آل عمران: ۱۵۹.

نرمخو شدی و اگر درشتخوی و سختدل بودی، بی‌شک از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس از ایشان در گذر و برایشان آمرزش بخواه».

۲. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»^۱: «همانا شما را پیامبری از خودتان آمد که رنج و زیان‌تان بر او گران است، به [هدایت] شما اصرار دارد و به مؤمنان دلسوز و مهربان است».

پیامبر ﷺ پیش یا پس از تشکیل حکومت اسلامی، رفتار با مخالفان را بر اساس هم‌زیستی در چهارچوب عدالت و مدارا بنا نهاد و تا بالاترین حد ممکن، بدی‌ها و دشمنی‌های مخالفان را تحمل می‌نمود. این اصل و رفتار پیامبر ﷺ با مخالفان، بنا بر این دستور الهی بود: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲: «و اگر به صلح راضی شدند، تو نیز بدان راضی باش و بر خدا تکیه کن که او شنوای داناست». آن حضرت هیچ‌گاه از اصل هدایتگری، انصاف، رحمت و عدالت عدول نکرد؛ چنانکه در ویژگی‌هایش آمده است: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِهِمْ رَحِيمًا وَعَلَيْهِمْ عَطُوفًا»^۳.

آن حضرت در برخورد و معاشرت با مردمی که در اثر زندگی جاهلیت از مهر و عاطفه انسانی دور افتاده و به خاطر تعصب و غرور جاهلی، حاضر به پذیرفتن واقعیات و اصلاح عقلایی زندگی خویش نبودند، خویش‌ن‌دار بود و در همه شرایط، نرم‌خویی و

۱. توبه: ۱۲۸.

۲. انفال: ۶۱.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۹، ص ۳۳۱.

نیک‌خلقی را سرلوحه رفتار خویش قرار داد؛ تا آنجا که در برابر عقاید باطل مشرکان قاطعانه می‌ایستاد و از نظر معاشرت و هم‌سخنی، رعایت تمام جوانب ادب و احترام مخاطبان را می‌نمود. آن حضرت می‌فرمود: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْقَرَائِضِ»^۱ «پروردگارم همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است».

این حقیقت به طور قطع، یکی از عوامل موفقیت سریع دعوت آن حضرت بوده است. طبق روایت معتبر، هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، به او چنین توصیه فرمود: «ای معاذ! آسان بگیر و سختی مکن؛ مژده بده و مردم را بیزار مکن».^۲ رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مردم نیز همین‌گونه بود. هنگامی که برخی از مسلمانان به یکی از زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تهمت زده بودند، سایر مسلمانان تصمیم گرفتند به خاطر خیانت آن گروه، به آنان کمک مالی نکنند و در هیچ موردی با آنان همدردی ننمایند. قرآن کریم آنها را از این کار منع کرد و به عفو و گذشت، دعوت نمود.^۳

همچنین مدارای سیاسی را می‌توان یکی از وظایف مهم حاکمان و سیاست‌مداران، برای تحقق اتحاد ملی و رشد اندیشه‌های مختلف اجتماعی به حساب آورد. این مفهوم در حوزه مدیریت سیاسی، نقش برجسته‌ای دارد. از همین روست که ارتقای جایگاه قدرت و اصلاح

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. ابن هشام؛ السیره النبویه؛ ج ۲، ص ۵۹۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۴۱۴.

امور به میزان مدارای سیاسی مدیران سیاسی بستگی دارد. پیامبر ﷺ در این امر پیشگام بود و هنگامی که قدرت بیشتری داشت، با مدارای بیشتری رفتار می کرد؛ مانند بخشش عمومی هنگام فتح مکه.

مدارا با منافقان

پیامبر ﷺ با منافقان مدینه بیشترین مدارا را داشت؛ چرا که سختگیری و برخورد شدید با آنان، اسلام را با تهدید جدی روبه رو می کرد. در احکام اسلامی نیز منافقین تا زمان اظهار اسلام، به عنوان برادر مسلمان شناخته می شوند و از حقوق اسلامی برخوردارند.^۱ ذکر دو نمونه می تواند نهایت مدارا با منافقین را در اسلام به نمایش بگذارد:

۱) عبدالله بن اُبی به عنوان سر دسته منافقان، عمری را با عناد علیه پیامبر ﷺ، به شایعه سازی و کارشکنی پرداخت. یاران حضرت بارها خواستند او را به سزای اعمالش برسانند، ولی پیامبر ﷺ اجازه نمی داد. در جریان فتنه انگیزی او پس از غزوه «بنی المصطلق» نیز او را نکشت و در پاسخ فرزند عبدالله که اجازه قتل پدر را از پیامبر ﷺ خواست، فرمود: «تا وقتی که زنده است، مثل یک رفیق و دوست با او به نیکی رفتار می کنیم». به گفته ابن هشام، همین رفتار حضرت باعث شد که عبدالله از آن پس مورد سرزنش و ملامت قبیله خود قرار گیرد.^۲ حتی هنگامی که در بستر بیماری و مرگ قرار گرفت، پیامبر ﷺ به عیادت او رفت و او را به ایمان دعوت نمود، او نیز از حضرت درخواست نمود که پیراهنی را برای کفنش به او عطا کند و در تشییع جنازه اش حاضر

۱. محمد حسن نجفی؛ جواهر الکلام؛ ج ۶، ص ۵۹.

۲. ابن هشام؛ زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام؛ ترجمه سیدهاشم رسولی؛ ص ۱۹۸.

شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با کمال بزرگواری و کرامت پیراهن زیرین خود را به او عطا کرد و در تشییع او شرکت نمود، حتی بر جنازه‌اش نماز خواند و به فرزندش تسلیت گفت.^۱

۲) منافقان دسیسه کردند تا اسلام را از چشم مسلمانان بیندازند و در پوشش مسجد که پایگاه اسلام و مقدس‌ترین مکان بود، اتحاد مسلمانان را به تفرقه تبدیل نمایند. آنان در برابر مسجد قبا، مسجد دیگری که خداوند آن را مسجد ضرار نامید، بنا کردند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از نابود کردن مسجد ضرار، با آنان مدارا نمود؛ تا آنجا که با ودیعه بن ثابت که از بنیان‌گذاران «مسجد ضرار» بود و قرآن او را تویخ کرد،^۲ هیچ‌گونه برخورد ناپسند و تلخی ننمود.^۳

مدارا با یهودیان

رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با یهودیان از جهت مدارا با مخالفان، حاوی درس‌های بزرگ و بیان‌کننده نهایت مدارا و نرمش در مقابل این کفار است. یهودیان عصر رسالت در عین اینکه با پیمان صلح، از حقوق و مزایای شهروند جامعه اسلامی برخوردار شده بودند؛ اما به آن وفادار نمانده و با خیانت‌های پی‌درپی، حتی اساس و ریشه اسلام را نیز مورد تهاجم قرار می‌دادند، در حالی که حضرت با آنها مدارا می‌نمود، چنانکه داده‌های تاریخی گواه برآیند.

۱. ابوبکر بیهقی؛ *دلایل النبوه*؛ ج ۵، ص ۲۸۵.

۲. توبه: ۶۵.

۳. محمد بن عمرو واقدی؛ *المغازی*؛ ج ۳، ص ۱۰۴۸-۱۰۴۹؛ محمد بن جریر طبری؛

جامع البیان؛ ج ۱۴، ص ۴۷۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از تسلیم شدن طایفه یهودی «بنی قینقاع»، در برابر خیانت‌شان سخت‌گیری نکرد و وساطت منافقی چون «عبدالله ابی» را پذیرفت و آنان را به وی واگذارد. او نیز همه ایشان را به سوی شام کوچ داد.^۱ خیانت این طایفه سبب نشد پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان خود را با سایر طوایف نادیده بگیرد. در پی همین حادثه، آنان در سال سوم هجرت تصمیم به همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد گرفتند و حتی در جنگ با یهودیان «بنی قریظه» و «خیبر» هم به مسلمانان کمک کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سهمی از غنائم را به آنان داد.^۲ این امر، نشان‌دهنده مدارای حضرت در حد اعلی با آنان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر خیانت «بنی‌نضیر» نیز با آنها به مدارا رفتار کرد و تقاضای‌شان مبنی بر خروج از مدینه و بردن مقداری از اموال خود را پذیرفت.^۳ آنان هنگامی که به خیبر رفتند، با تحریک فرمانروای «دومه الجندل»، کاروان‌های اقتصادی مسلمانان در مسیر شام را تهدید کردند و با وعده دادن محصول یک‌ساله خرما به قبیله «قطفان»، آنان را علیه مسلمانان در جنگ خندق شوراندند و سرانجام مشرکان مکه را تحریک کردند تا به مدینه حمله کنند.^۴ با این حال پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقتی «بنی‌نضیر» مستقیماً وارد جنگ نشد، علیه آنان اعلام جنگ نکرد و در غزوه خیبر با آنان مدارا و ملاحظت نمود؛ زیرا خیبری‌ها برای تسلیم

۱. ذهبی؛ تاریخ الاسلام؛ ج ۲، ۱۴۶ - ۱۴۹.

۲. ابن‌سعد واقدی؛ الطبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۴۳.

۳. همان؛ ج ۲، ص ۴۴.

۴. همان.

شدن، تنها از حضرت خواستند که آنان را نکشد و اجازه دهد به سرزمین‌های غیر اسلامی - بدون همراهی اموال - کوچ کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اجازه داد در همان محل بمانند، اما خانه‌های‌شان جزو اموال مسلمانان و حکومت اسلامی محسوب شود و نیمی از محصولات کشاورزی‌شان پس از برداشت، به مسلمانان تعلق بگیرد.^۱

خیانت طایفه سوم (بنی قریظه) بسیار شدید بود، اما باز هم وقتی قبیله اوس از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند همان‌گونه که حکم درباره یهودیان هم‌پیمان با خزرج را به آنان واگذار کرده، حکم درباره بنی قریظه را به این قبیله که هم‌پیمان آنان بودند، واگذار؛ حضرت پذیرفت.^۲

دلیل تمام غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله با یهودیان، شروع جنگ، خیانت و تجاوز از سوی یهودیان بود و حضرت برای دفاع از اسلام و مسلمانان با آنان وارد جنگ شد، اما در عین حال با آنان در نهایت مدارا برخورد کرد و مجازات‌شان را در اختیار قبیله «اوس» که هم‌پیمان‌شان بود، گذاشت. حکم به مجازات اعدام برای مردان توسط قبیله «اوس»، نه به خاطر اختلاف عقیدتی، بلکه به خاطر پیمان‌شکنی و تجاوز به سرزمین اسلامی بود. مطمئناً پیمان صلح با یهودیان، گویای احترام نسبت به ادیان آسمانی و پیروان آن‌هاست.

مدارا با مسیحیان

رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان، آرام و همراه با مدارا بود. حضرت در جریان مباحله، ابتدا موضع و دیدگاه خود را در مورد دین مسیحیت،

۱. ذهبی؛ تاریخ الاسلام؛ ج ۲، ص ۴۲۱ - ۴۲۲.

۲. ابن هشام؛ السیره النبویه؛ ص ۲۶۵-۲۶۶

تولد حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ، کفالت وی توسط حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ و تولد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان کرد، اصولی درباره حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و نیز تورات و انجیل ارائه، و آنگاه دین اسلام را ادامه راه آنان معرفی نمود؛ اما مسیحیان این دیدگاه‌ها را نپذیرفتند و به محاجه پرداختند. در این جریان که به سرانجام نیز نرسید، هیأت نمایندگی مسیحیان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلح کردند که مقدار مالیاتی از طرف آنان به عنوان جزیه در اختیار مسلمانان قرار داده شود و در مقابل امنیت منطقه نجران از طرف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تضمین و تأمین گردد.^۱ مسیحیان بر خلاف یهودیان، فتنه‌انگیز نبودند؛ به همین دلیل نیز از روح دادگری و اصول انسانی صلحنامه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بهره‌های فراوانی بردند.^۲

مدارا با مشرکان

رفتار پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مشرکان هم در آغاز بعثت و هم پس از هجرت به مدینه، با مدارا و مسالمت‌آمیز بود. در آغاز بعثت مشرکین به اذیت و آزار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌پرداختند، اما آن حضرت برای هدایت آنان دعا کرد و فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً رَبِّ اِهْدِ اُمَّتِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ «همانا من برای رحمت مبعوث شدم (نه نقمت و عذاب)؛ بار خدایا! قوم مرا هدایت فرما که نادانند».

وقتی حضرت در سال ششم تصمیم گرفت همراه مسلمانان برای انجام عمره به مکه برود، هنگامی که به حدیبیه رسید، مشرکین مانع ورود

۱. احمد بن یحیی بلاذری؛ فتوح البلدان؛ ص ۷۱.

۲. ابن سعد واقدی؛ الطبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۷، ص ۲۷۶.

مسلمانان به مکه شدند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیشنهاد صلح را مطرح کرد که با مخالفت برخی روبه‌رو شد، اما حضرت فرمود: «من بنده خدا و پیامبر اویم. امر وی را مخالفت نخواهم کرد و او هم هرگز مرا وا نخواهد گذاشت».^۱

یکی دیگر از بزرگ‌منشانه‌ترین برخوردهای پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اعلان عفو عمومی مکه و بخشش و مدارا با سران شرک و دشمنان دیرین خود، پس از فتح مکه بود. گروه‌های متعصب که جنگ‌های خونین علیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به راه انداخته و یاران آن حضرت را به شهادت رسانده بودند، با فتح مکه و تسلط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آنها، در انتظار مجازات سنگینی بودند. در چنین وضعیتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ماذا تقولون؟ و ماذا تظنون؟». مردم بهت‌زده و نگران با صدای لرزان گفتند: ما چیزی جز نیکی و خوبی درباره تو نمی‌اندیشیم. حضرت نیز خطاب به آنان فرمود: من نیز همان جمله‌ای را که برادرم یوسف به برادران ستمگر خود گفت، امروز به شما می‌گویم. «قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ».^۲ «گفت: امروز ملامتی بر شما نیست. خدا شما را می‌آمزد و او مهربان‌ترین مهربانان است».

با توجه به سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رفتار مسالمت‌آمیز و مدارا با اهل کتاب و مشرکین، می‌توان به سیره آن حضرت در مورد مخالفان مذهبی نیز دست یافت. اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برخورد با مشرکان، خشونت را اصل قرار داده باشد، فراگیر دانستن آن نسبت به مخالفان مذهبی درست

۱. احمد یعقوبی؛ تاریخ یعقوبی؛ ج ۲، ص ۶۰.

۲. یوسف: ۹۲.

نیست؛ زیرا کم بودن اختلافات عقیدتی مذاهب اسلامی نسبت به پیروان سایر ادیان آسمانی و غیر آسمانی، دلیلی بر اولویت مدارا با پیروان سایر مذاهب خواهد بود؛ بنابراین باید امروزه در راستای مدارا بین مذاهب گام برداشت.